
تکنولوژی نظامی و قواعد جنگ

* عقیفه غلامی

** حمیده روح بخش

دیباچه

عرصه تسلیحات نظامی و تجهیزات جنگی در دهه‌های اخیر شاهد تحولات و دگرگونی‌های چشمگیری بوده است. این تغییرات چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی درگیری‌های نظامی را متأثر ساخته است، به شکلی که مخصصات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی سال‌های گذشته با موارد مشابه آن در قرن بیستم میلادی قابل قیاس نیست. نمونه بارز آن حمله ایالات متحده آمریکا و هم پیمانانش به عراق بود. در چنین شرایطی، مقررات حقوق بین‌الملل (اعم از معاهده‌ای و عرفی) به منظور

* عقیفه غلامی دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل در دانشگاه تربیت مدرس است.
(r.a_gholami@yahoo.com)

** حمیده روح بخش دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل در دانشگاه تربیت مدرس است.
(roohbakhshh@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۳۱ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۳
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال نهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۸۰-۱۶۱.

کنترل و هدایت وضعیت‌های جدید ناشی از گسترش روزافزون تکنولوژی و فناوری نوین نظامی، با تکیه بر بنیان‌های غنی حقوقی و اخلاقی‌اش وارد عمل شده و بدون متوقف ساختن جریان پویای این حوزه به مدد اصول و قواعد بین‌المللی شناخته شده انسانی و بشردوستانه از سوء استفاده‌های احتمالی پیشگیری به عمل می‌آورد. در ادامه این نوشتار تلاش می‌شود تا نسبت میان تکنولوژی‌های نوین مورد استفاده در مخاصمات مسلحانه از سوی طرفین درگیری و اصول، قواعد و مقررات بین‌المللی حاکم بر آن‌ها در خلال بحث‌ها و موضوعاتی همچون خاستگاه اخلاقی اصول حاکم بر مخاصمات مسلحانه، سلاح‌های نوین، جنگ‌های اطلاعاتی و حقوق مخاصمات مسلحانه یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه تبیین و روشن گردد.

۱. خاستگاه اخلاقی اصول حاکم بر مخاصمات مسلحانه

ریشه‌های اخلاقی حقوق مخاصمات مسلحانه کنونی را می‌توان در اعتقادات مذهبی، حقوق رومی و دستور العمل‌های پهلوانی و جوانمردی باستان مشاهده نمود. این بنیان‌های اخلاقی صرف نظر از ملیت‌ها و قومیت‌ها مورد احترام و تبعیت بوده است. اصولی مانند وفاداری به کشور، منع خیانت یا اقدام به جاسوسی حین جنگ، مصونیت زنان، کودکان و سالخورده‌گان و نیز اقرار آسیب‌پذیر جامعه و اعطای امان به اسرا و تسلیم شدگان و... همه از دستور العمل‌های رفتاری بود که از طبیعت و ذات بشر نشأت می‌گرفت و به تدریج به سنت‌های عادلانه جنگ تبدیل شده و توسعه یافته بود. جنگ، به عنوان مصداقی بارز از اعمال قوای حاکمیتی دولت در جهت تعقیب منافع ملی شناخته می‌شد، بنابراین، راه نفوذ اصول انسانی در قواعد بین‌الملل حاکم بر مخاصمات، پیوند این اصول با منافع دولت‌ها بوده است. با این حال، هدف از این موازین اخلاقی به هیچ وجه نفی جنگ و درگیری نظامی نبود، بلکه به دنبال کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ نسبت به افراد غیرنظامی بود.

با پیشرفت حیات بشری، این اصول اخلاقی نیز پیچیده‌تر و توسعه یافته‌تر گشت و با شکل‌گیری و گسترش روش‌های جنگی، قواعد حاکم بر این اقدامات نیز تکامل یافت و به تدریج از شکل و قالب اخلاقی صرف در آمده، شکل و شمایل حقوقی یافت. در این مجال، افرادی همچون هنری دونان سوئیس (بنیان‌گذار صلیب سرخ جهانی) با

نگاهی انسان دوستانه، بر گسترش حمایت از افراد غیرنظامی و کاهش صدمات و آسیب‌های ناشی از درگیری‌های نظامی بر آن‌ها اصرار ورزیدند.^(۱)

در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی، با وجود شکل‌گیری یکسری اصول و قواعد بنیادی جهت اعمال در جنگ‌ها و منازعات مسلحانه بین‌المللی و نیز شکل‌گیری تدریجی حقوق جنگ، همچنان بر احکام و موازین اخلاقی و وجدانی تأکید می‌شد، تا جایی که تعالیم اخلاقی جنگ و عرف ناشی از آن از جایگاه ویژه‌ای در حقوق جنگ برخوردار بود. نمونه بارز توسل به مفاهیم اخلاقی، ارائه شرط مارتنس در مذاکرات بین‌المللی مربوط به اصول و قواعد جنگ بود. در جریان کنفرانس صلح ۱۸۹۹ لاهه، نظریه نماینده تزار، نیکلاس دوم، و وزیر امور خارجه روسیه، ژنرال فردریک فون مارتنس، مورد اقبال عمومی قرار گرفت و در کنوانسیون دوم لاهه در خصوص قواعد و عرف‌های جنگ زمینی ۱۸۹۹ درج گردید. مطابق پیشنهاد وی، توافق شد «تا زمان تدوین مجموعه قواعد جنگی کامل‌تر، دولت‌های معظم طرف قرارداد مصلحت بدانند تا اعلام نمایند که در موارد خارج از مقررات پذیرفته شده ساکنان و طرف‌های مخاصمه تحت حمایت و حاکمیت اصول حقوق ملل باشند، چرا که این حقوق از عرف رایج میان مردم متمدن و از قوانین انسانی و ندای وجدان عمومی نشأت گرفته است.»^(۲) در مقدمه کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ این شرط تکرار شد.^(۳)

اهمیت این شرط تا بدان جاست که زمان و مکان محدودی نمی‌شناسد و تا زمان تدوین مجموعه قوانین جنگی کامل‌تر، هرگاه در یک وضعیت مخاصمه در خصوص رفتار صحیح تردید بوجود آید به ندای وجدان عمل خواهد شد و طرفین درگیر همانگونه با هم رفتار می‌کنند که می‌پسندند با آن‌ها رفتار شود.^(۴) از این رو، مفهوم وجدان عمومی^۱ در چهار عهدنامه ژنو لحاظ گردیده است^(۵) و در پیشگفتار پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ به مقررات ۱۹۴۹ ژنو، درباره حمایت از قربانیان مخاصمات غیربین‌المللی^(۶) به این شرط توجه ویژه‌ای مبذول گشت.^(۷)

از مطالعه این سیر تاریخی اینگونه برداشت می‌شود که شکل‌گیری عرف‌ها و قواعد جنگی فارغ از جهت، غایت و مشروعیت جنگ، متوجه واقعیات تلخ و آثار مصیبت باری است که از رهگذر جنگ متوجه انسان‌ها (اعم از سربازان و سایر

قربانیان) می‌شود. از این رو، ادعا می‌شود دو رویکرد بنیادین "محدودیت ابزارها و روش‌های جنگی" و "حمایت از قربانیان" مبنای توسعه سایر اصول این نظام حقوقی می‌باشد. اصول فعلی ضرورت نظامی^۱، تناسب^۲، تفکیک^۳، منع درد و رنج بی‌مورد^۴ و خسارات جانبی^۵ مدیون دو رویکرد بنیادین «محدودیت» و «حمایت» می‌باشد. دو رویکرد بنیادینی که بر مفاهیم و تعالیم عالی اخلاقی یاد شده استوار است. در چنین فضایی، بر این نکته تأکید می‌شود که جهت تضمین کرامت انسانی، روش‌ها و فنون جنگ می‌بایست محدود شود و از قربانیان جنگ حمایت به عمل آید.

بدین ترتیب، ایجاد حقوق جنگ در طول تاریخ تحت تأثیر مفاهیم مذهبی و نظریات فلسفی بوده است^(۸) و عرف، وجدان بشری و اخلاق جایگاه بسیار ویژه‌ای در این حوزه از حقوق دارند.

۲. سلاح‌های نوین

در جنگ‌های مسلحانه اخیر آنچه حرف اول و آخر را می‌زند، تکنولوژی و فناوری نظامی است. تا جایی که دولت‌ها با تکیه بر آن، اهدافی با فاصله بسیار زیاد را مورد هدف قرار می‌دهند. مانند آنچه در حمله ایالات متحده علیه عراق در ۲۰۰۳ میلادی شاهد بودیم. پیش از آن، در عملیات طوفان صحرا^۹ در ۱۹۹۱ ایالات متحده با به‌کارگیری جنگ افزارهای پیشرفته نظامی چندین هدف را در بغداد به طور دقیق و قطعی مورد حمله قرار داده بود. در رویارویی با یک تکنولوژی که از قدرت و دقت کافی برای انهدام هرگونه هدفی که گذشته از اندازه، میزان تحرک و یا فاصله آن قابل شناسایی است جنگ تغییر ماهیت داده و خود را با آن همگون می‌سازد.^(۹)

توسعه روز افزون و بی‌وقفه تسلیحات و تجهیزات جنگی به مدد سایر علوم مثل جغرافیا و کامپیوتر سبب شده قدرت تمیز و تشخیص اهداف جنگی بسیار بالا رود و

-
1. Military necessity.
 2. Proportionality.
 3. Distinction.
 4. Unnecessary suffering.
 5. Collateral damage.
 6. Desert Storm.

عملیات جنگی در سطحی بالا بی‌هیچ گونه خطا و اشتباه موفق به انهدام موضوع مورد هدف گردد (احتمال موفقیت در این دست عملیات‌ها نزدیک به ۱۰۰٪ می‌باشد).

این دست سلاح‌ها قادرند، با رعایت کامل اصل تفکیک (نظامیان و اهداف نظامی از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی) و از طریق فناوری ویژه تشخیص خود تنها اهداف و موضوعات جنگی و جنگجویان دشمن را مورد هدف قرار دهند. هر چند این سطح از فناوری نظامی در اختیار تمامی دولت‌ها نیست، در این مقطع زمانی، تکنولوژی نوین در خدمت اصول اساسی حقوق مخاصمات مسلحانه قرار گرفته است. چرا که مجموعه حقوق مخاصمات مسلحانه در صدد کاهش و به حداقل رساندن آسیب‌ها و صدمات وارده به غیرنظامیان و مجموعه اهداف و موضوعات غیرنظامی است و براساس اصل تفکیک، فرماندهان و سران نظامی ملزم و مکلف به به‌کارگیری تکنولوژی جهت کاهش صدمات و خسارات حملات جنگی‌اند، چرا که وقتی فرماندهان نمی‌توانند ابزارها و روش‌هایی را بکار گیرند که بدون تفکیک و کورکورانه نظامیان و غیرنظامیان را با شدتی مشابه مورد آسیب قرار دهند، نتیجتاً بایستی ابزارها و روش‌ها را در جهت دقیق‌تر عمل کردن توسعه دهند.^(۱۰)

با وجود تأثیر مثبت تکنولوژی جهت رعایت هرچه بهتر اصول حاکم بر جنگ، شاهد ظهور برخی دغدغه‌های جدید در این عرصه هستیم. در واقع، سلاح‌های جدید یک تجزیه و تحلیل جدید برای حقوق مخاصمات مسلحانه همراه خود به ارمغان می‌آورند. سلاح‌های جدید به کار گرفته شده در جنگ‌های اخیر مثل مین‌های زمینی ضد نفر، مین‌های زمینی کنترل‌ی، سلاح‌های لیزری، سلاح‌ها و گلوله‌های صوتی و... با وجود برخورداری از سطح بالای تکنولوژی، در موارد و شرایطی علاوه بر نظامیان، شهروندان غیرنظامی را نیز متأثر می‌سازند و برای جنگجویان و رزمندگان صحنه نبرد دردها و رنج‌های غیرضرور (اضافی) به همراه دارند.

از آن جایی که استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی که از ماهیتی برخوردارند که باعث ورود آسیب بیش از اندازه و یا درد و رنج غیرضروری می‌شوند، ممنوع می‌باشد^(۱۱)، آثار و نتایج ناشی از به کار بردن آن‌ها موجب نقض برخی از اصول حقوق مخاصمات مسلحانه می‌شود. به علاوه، تأثیرات و صدمات جبران‌ناپذیر به‌کارگیری این سلاح‌ها بر محیط زیست، با وجود رعایت تمامی جوانب انسانی و حقوقی، در بلند

مدت قابل توجه است. همین امر، موجب شد پروتکل شماره ۳ الحاقی به عهدنامه ۱۹۸۱ ژنو در مورد سلاح‌های متعارف^۱ ممنوعیت استفاده از مهمات یا سلاح‌های آتش‌زا از جمله سلاح‌هایی که در هوا مشتعل می‌شوند را مقرر کند. ضمن اینکه حمله به جنگل‌ها و سایر پوشش‌های گیاهی سرزمین دشمن با استفاده از سلاح‌های آتش‌زا ممنوع است، مگر آنکه ضرورت نظامی وجود داشته باشد و یا از آن اماکن به عنوان محل‌های استتار دشمن استفاده گردد.^(۱۲) همچنین، به موجب اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، مصوب اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست انسانی، مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲: "ورود خسارت به محیط زیست واقع در خارج از قلمرو صلاحیت ملی ممنوع است." این ممنوعیت فعالیت‌های نظامی را نیز دربر می‌گیرد.^(۱۳)

همین‌طور، در خصوص ممنوعیت استفاده از سلاح‌های لیزری کورکننده، پروتکل شماره ۴ منضم به عهدنامه ۱۹۸۱ ژنو در مورد سلاح‌های متعارف، تحقیق، توسعه و تولید سلاح‌های لیزری که جهت ایجاد کوری دائمی طراحی شدند را بلامانع دانست اما به‌کارگیری آن‌ها در جنگ را ممنوع اعلام نمود.

در سال ۱۹۹۵، با هدف ممنوعیت به‌کارگیری مین‌های ضد نفر، پیشنهاد گردید پروتکلی با این مضمون به کنوانسیون ۱۹۸۱ سازمان ملل در مورد سلاح‌های متعارف الحاق شود که مورد پذیرش قرار نگرفت. دلیل اصلی این تلاش‌ها صدمات و تلفات وارده بر شهروندان غیرنظامی پس از خاتمه درگیری‌های نظامی، به دلیل وجود مین‌های ضد نفر در خاک سرزمین‌های درگیر در منحصمه بود. نهایتاً در ۸ سپتامبر ۱۹۹۷ عهدنامه اوتاوا در مورد ممنوعیت انباشت، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و انهدام آن‌ها منع گردید، چرا که ممنوعیت جنگ (ابزارهای جنگی) فاقد تفکیک، مشکلاتی را در این خصوص به وجود می‌آورد مگر اینکه جمعیت غیرنظامی در منطقه نبرد قرار نداشته باشند یا این مناطق خالی از جمعیت باشد.^(۱۴) این عهدنامه، معروف به عهدنامه منع مین^۲ می‌باشد.^(۱۵) در مورد مین‌های ضد نفر و بمب‌های خوشه‌ای^۳ نبود جمعیت غیرنظامی در مناطق جنگی کفایت نمی‌کند، چون به هر حال زمانی که درگیری‌ها پایان

1. Conventional weapons.
2. Mine Ban Convention.
3. Cluster Bombs.

پذیرد، مناطق جنگی مجدداً به روی غیرنظامیان باز خواهد شد و آنان به طور مستقیم در معرض آسیب‌های ناشی از این سلاح‌ها قرار خواهند داشت. به علاوه، در این باره به قاعده دیگری نیز می‌توان استناد کرد و آن اینکه استفاده از سلاح‌ها و ابزارهایی که در صورت اصابت به هدف، باعث مرگ یا نقص عضو حتمی می‌شوند، ممنوع می‌باشد. نتیجه آنکه، تسلیحات دارای تکنولوژی نوین اعتماد پذیر و مؤثر بوده و می‌تواند منجر به پیروزی در جنگ شود، منتهی این موفقیت‌ها تنها به مدد برتری نظامی یکجانبه علیه دشمنی که به سلاح‌های کمتر پیشرفته مجهز بوده به دست آمده است و در غیراین صورت چه بسا شاهد وقوع جنگ‌های طولانی مدت پایان ناپذیری در صحنه بین‌الملل می‌بودیم و فناوری پیشرفته‌ای که روزی به کمک اعمال بهتر اصول حقوق مخاصمات مسلحانه می‌آمد خود به بهانه‌ای برای آغاز و امتداد بی‌پایان مخاصمات تبدیل می‌شد.^(۱۶)

در اینجا پیشنهاد نمی‌شود که در توسعه تسلیحات توقیفی صورت گیرد، چنین پیشنهادی کاملاً غیرواقع بینانه است و برخی ویژگی‌های جدید همچون افزایش دقت یا شیوه‌های واداشتن دشمن به تسلیم، در حالی که خسارت را به حداقل برساند، می‌تواند مثبت باشد. در موضوع ناظر بر جهت دهی تحقیقات و مقتضیات تحول مربوط به تسلیحات، ضرورت دارد که مسئولیت‌های مربوطه به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد و در آغاز کار تضمین شود که تسلیحات نه تنها توانایی تفکیک بین غیرنظامیان و نظامیان را داشته باشند، بلکه در عین حال سلاح‌های ضد نفر نه موجب مرگ حتمی و نه ناتوانی دائمی شوند. عامل مهم دیگر وضعیت زیست محیطی کره زمین است. این عامل باید به نحو جدی در طراحی هرگونه تسلیحات جدید به عنوان یک موضوع مربوط به بقای همه انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد. به این دلیل که اکنون بسیاری از مطالعات و تحقیقات مربوط به سلاح‌های نوین از سوی شرکت‌ها اساساً با نگاه به فروش محصولاتشان انجام می‌پذیرد. لازم و ضروری است که دولت‌ها تولید کنندگان سلاح را قبلاً از آثاری که متعارض با قواعد یا اصول حقوق بشر دوستانه بین‌المللی هستند، آگاه سازند.^(۱۷)

بنابراین، علی‌رغم تمامی ملاحظات صورت گرفته جهت سازگاری هرچه تمام‌تر ساخت و تولید تسلیحات و جنگ افزارها با اصول و قواعد جنگ در سال‌های گذشته، نمی‌توان بدون گذراندن آنها از غربال حقوقی و تشخیص مطابقتشان با اصول و قواعد جنگی مهر تأیید و تجویز بر تارک آن‌ها کوبید.

۳. جنگ‌های اطلاعاتی^۱

جنگ‌های اطلاعاتی تنها بر منطقه جنگی یا نظامی تمرکز نمی‌کند. در جنگ اطلاعاتی با دشمنان مجازی به نام هکرها و کرکرها^(۱۸) روبه‌رو هستیم، که با ورود به سیستم‌های کامپیوتری نیروهای مسلح، ارتش یا شرکت‌های دولتی به سرقت اطلاعات دست زده و اسرار نظامی و کشوری را انتقال داده، اقدام به دستکاری اطلاعات سیستم‌های الکتریکی یا مخابراتی و یا ایجاد توسعه و نشر ویروس‌های مخرب سیستم‌های کامپیوتری می‌کنند.^(۱۹) کرک‌های حرفه‌ای که بیشتر در سیستم‌های حکومتی یا گروه‌ها و سازمان‌های پنهان تعریف می‌شوند، این نوع فعالیت را جنگ تلقی می‌کنند و در ارتکاب آن اهداف وسیعی را می‌بینند و به جز دستیابی به اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی دشمن، علاقه وافر به نحوه سیستم‌های پردازشی در مجموعه اطلاعات آشکار و پنهان دشمن دارند. حوزه فعالیت آنها اغلب موضوعات امنیتی و دفاعی است. کشف و سپس تخریب یک سیستم اطلاعاتی که پیوسته در حال جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات است امروزه به یک جنگ جدی مبدل گردیده است.^(۲۰) بدین ترتیب، آسیب و لطماتی که یک کیبورد قادر است ایجاد کند در برخی موارد بسیار مخرب‌تر از اعمال تروریستی است. در واقع، آنچه امروزه تحت عنوان جنگ اطلاعاتی شناخته می‌شود، نشأت گرفته از روش‌های بکار گرفته شده در ارتکاب جرایم سنتی در محیط دیجیتال یا جرایم رایانه‌ای است.^(۲۱)

پرسش اینجاست که چه قانونی بر این دست جنگ‌ها حاکم است و تعریف جنگ اطلاعاتی چیست؟ آیا همان حقوقی که بر مخاصمات مسلحانه حاکم است بر این درگیری‌های اطلاعاتی نیز حاکم است؟

۳.۱. جنگ اطلاعاتی چیست؟

حقوقی که بر این حوزه حاکم می‌شود بستگی به تعریف ما از این مقوله خواهد داشت. تعریف‌هایی که از این عنوان می‌شود متفاوت است. مثلاً برخی معتقدند جنگ اطلاعاتی عبارت است از: اقداماتی که جهت به دست آوردن برتری اطلاعاتی از طریق اثر گذاری بر اطلاعات دشمن، پروسه‌های اطلاعات محور و شبکه‌های کامپیوتر محوری که

1. Information Warfare.

دربدارنده و محافظ اطلاعات مشخصی هستند، صورت می‌گیرد.^(۲۲) طبق تعریف دیگری: هر اقدامی که جهت انکار، بهره برداری، استخراج و یا تخریب و ایجاد صدمه بر اطلاعات و عملکرد دشمن باشد، با هدف حمایت از اطلاعات نظامی خود در مقابل اقدامات دشمن^۱.

در واقع، جنگ اطلاعات استراتژیک در دو حوزه عمده توانایی‌های اقتصادی و صنعتی و حوزه‌های نظامی و دفاعی قابل طرح و بحث است: حوزه نخست شامل تمام امکانات و تسهیلات بخش غیررزمی می‌گردد که در این حالت حتی در زمان صلح نیز می‌تواند آثار ویران‌گر خود را در آنها بر جای گذارد و حوزه دوم در زمان جنگ و بحران ممکن است یک کشور را به نابودی و یا شکست در برابر دشمن وادار سازد.^(۲۳) بحث ما مربوط به زمانی است که از این اطلاعات به عنوان یک سلاح استفاده می‌شود. بدین ترتیب، زمانی که هیچگونه سلاح قراردادی مورد استفاده قرار نگرفته، آیا حقوق مخاصمات مسلحانه نسبت به تخریب و نابودی یک سیستم اطلاعاتی بین‌المللی اعمال می‌گردد؟ و آیا این وضعیت یک مخاصمه مسلحانه است؟ آیا یک رزمنده (جنگجوی نظامی) می‌تواند از طریق فضای سایبری وارد یک مخاصمه شود؛ برای مثال از طریق ورود به فایل‌های پزشکی یا مالی نیروهای دشمن؟ و این قضیه چه تأثیری بر غیرنظامیان خواهد داشت؟ تأثیرات روانی شبیه‌سازی تصویر و صدای فرمانده نظامی دشمن خطاب به سربازان مبنی بر تسلیم فوری نیروها یا هر فرمان دیگر و یا انتشار اطلاعات کذب و دروغین از طریق وب سایت‌های اینترنتی و گمراه نمودن دشمن چیست؟

از آنجایی که فضای سایبر ماهیتاً یک محیط فرا سرزمینی است، زمانی که یک حمله سایبری علیه دشمن صورت گیرد (اصطلاحاً انفجار بمب سایبری)^۲ چنین اقدامی از طریق شبکه، سایر دولت‌های بی‌طرف را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین وضعیتی، حقوق و تکالیف دول بی‌طرف چیست؟ آیا به نحوی می‌توان گفت که حقوق بی‌طرفی آن‌ها نقض شده است؟ آیا حق تعقیب کیفری متخلفان از سوی دولت ثالث ذی نفع متصور است؟

1. The Secretary of the Air Force and the Chief of Staff of the U.S. Air Force, offer the above definition.
2. Cyber Bomb.

۳.۲. جنگجویان سایبری

مسئله دیگر تشخیص رزمنده^(۴) یا مبارز در جنگ‌های اطلاعاتی است. در صورتی که کودکی با استفاده از رایانه شخصی خود اقدام به هک کردن یک سیستم کامپیوتری دولتی یا نظامی دشمن نماید، وی یک غیرنظامی به شمار خواهد آمد یا خیر؟ به عنوان مثال در صورت دستگیری و بازداشت توسط نیروهای دشمن، آیا از حمایت‌های ناظر بر وضعیت اسرای جنگی برخوردار خواهد بود؟ آیا کودک بودن وی همزمان با شرکت در مخاصمه ناقض قاعده ممنوعیت به‌کارگیری کودکان در مخاصمات می‌باشد؟ آیا با توجه به تعریف رزمنده که آن را شامل نوعی سازمان یافتگی، تشکیلات و یا تحت امر بودن دانسته، می‌توان این فرد را رزمنده دانست در حالی که به شکل خودسرانه عمل کرده است؟ در غیراین صورت، آیا وی غیرنظامی و مشمول حمایت‌های در نظر گرفته شده برای غیرنظامیان خواهد بود؟

حالتی را تصور کنید که فردی مشابه آن کودک با نفوذ به سیستم‌های اطلاعات پزشکی مربوط به سربازان دشمن اقدام به پاک کردن یا دست بردن در اطلاعات پزشکی آنان می‌کند و از این طریق به نظامیان دشمن حمله می‌کند. در فرضی که چنین شخصی یک نظامی باشد چه قواعدی بر رفتار وی حاکم خواهد بود؟ آیا این اقدام حمله به واحدهای درمانی و بهداری، و در نتیجه مصداق جنایات جنگی محسوب خواهد شد؟ مسائلی از این دست بی‌پاسخ باقی مانده است.

والتر لاکور، متخصص تروریسم در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، معتقد است که حملات رایانه‌ای ممکن است برای تعداد زیادی از مردم بسیار ویران‌کننده‌تر از جنگ‌های بیولوژیک یا شیمیایی باشد. از اقدامات سایبری، ارتباط بین سایبرمن‌ها از طریق شبکه‌های بین‌المللی و تبادل افکار و اعمال مجرمانه در سطح بسیار پیچیده‌ای است که از ویژگی‌های این نوع ارتباط عدم توانایی نیروهای امنیتی در کنترل و شنود این ارتباطات می‌باشد. در سال ۱۹۹۱، حین جنگ خلیج فارس که میان عراق و ائتلافی از چند کشور به رهبری ایالت متحده در گرفت، یک جوان ۱۸ ساله فلسطینی، متهم به نفوذ به رایانه‌های پنتاگون شد. این مرد جوان ظاهراً به اطلاعات سری مربوط به موشک پیترویوت دسترسی پیدا کرده بود که یک سلاح کلیدی آمریکا برای دفاع در مقابل حمله موشک‌های اسکاد عراق به شمار می‌رفت. در نفوذ دیگری در همان جنگ، چندین

نوجوان هلندی به رایانه‌های نظامی، زمینی، هوایی و دریایی ایالت متحده در ۳۴ سایت مختلف نفوذ کردند. نفوذکنندگان در یکی از حملات خود به داده‌های بسیار حساسی درباره پرسنل نظامی، نوع و میزان تجهیزات نظامی فرستاده شده به خلیج فارس، اهداف موشک‌ها و توسعه سیستم‌های تسلیحاتی دست یافتند. در واقع، این نوجوانان کرک‌هایی بودند که تنها به خواندن این فایل‌ها اکتفا نکردند بلکه اطلاعات مربوط به تحرکات ارتش و توانایی موشک‌ها را سرقت کردند و در اختیار عراقی‌ها قرار دادند.^(۲۵) در صورت وقوع یک جنگ اطلاعاتی کدام ارگان یا نهاد پاسخگو است؟ در واقع، فرایند بررسی، تحقیق و جست‌وجو از چه مسیری آغاز شده و ادامه خواهد یافت؟ از طریق ریاست جمهوری، وزارت دفاع یا تأسیس یک سازمان ویژه برای جنگ‌های اطلاعاتی؟ پاسخ تمامی این مسائل به سیاست و استراتژی اتخاذی در سطح داخلی و بین‌المللی بستگی خواهد داشت که به نحوی این مقوله را در صلاحیت مؤسسه یا سازمانی خاص قرار می‌دهد.

۳.۳. جایگاه حقوق مخاصمات مسلحانه در وضعیت جنگ‌های اطلاعاتی

رویه‌ای واحد که دولت‌ها یا سازمان‌های دولتی بین‌المللی، و یا نهادهایی مثل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از آن پیروی کرده باشند و حملات سایبری یا جنگ‌های اطلاعاتی را مصداقی از درگیری نظامی در نظر گرفته باشند، وجود ندارد. در واقع، این نکته کلیدی ارتباطی میان نظام حقوق مخاصمات مسلحانه و اقدامات سایبری و تهدیدات رایانه‌ای می‌باشد. اگر بپذیریم که اقدامات اطلاعاتی و سایبری مشمول مقررات مخاصمات مسلحانه هستند، اصول حقوق مخاصمات مسلحانه مثل کاهش درد و رنج، تناسب، تفکیک، خسارت جانبی و ضرورت می‌بایست مورد احترام طرفین درگیر در یک جنگ اطلاعاتی قرار گیرد. در غیراین صورت، یا می‌بایست در مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه کنونی تغییر و تحولی صورت گیرد که به نوعی دربردارنده وضعیت‌های جدید باشد و یا در انتظار شکل‌گیری قواعد و مقررات نظام یافته جدیدی باشیم و تا آن زمان از آثار و نتایج مخرب و غیرانسانی این اقدامات چشم‌پوشی کنیم. اختلال در فعالیت سیستم‌های ارتباطی مثل سیستم‌های مخابراتی، تأثیر بسزایی بر زندگی شهروندان غیرنظامی دارد. برای مثال، قطع برق یک منطقه توسط دشمن منجر به هلاک شدن افراد به

واسطه گرما یا اخلال در امور خدمات بهداشتی می‌شود. همچنین، قطع سیستم‌های ارتباطی یا تجهیزات الکترونیکی از طریق بمب‌های سایبری به نتایج مشابه منجر می‌گردد. در وضعیت‌هایی که دشمن به سیستم بانکی، رادارهای هوایی و... حمله می‌کند، چه راه حل قابل‌اعمالی وجود دارد؟ مسئله تناسب، تفکیک و خسارات جانبی در این موارد چگونه تعیین می‌شود؟ حمله به سوابق و اسناد و اطلاعات بورس، ارز و بانکداری یک کشور نتیجه‌ای جز مختل ساختن زندگی شهروندی غیرنظامیان نخواهد داشت. آیا هدف قرار دادن زندگی اجتماعی افراد غیرنظامی می‌تواند با مزیت نظامی بدست آمده متناسب باشد؟ هرچند این موضوعات و اهداف را نمی‌توان در زمره موضوعات و اهداف نظامی و جنگی قرار داد ولی نادیده گرفتن این دست پیامدها که علاوه بر نظامیان، شهروندان یک کشور را متحمل خسارات جبران‌ناپذیر فردی و ملی می‌کند، مستقیماً جامعه بین‌المللی را متأثر ساخته و قربانی اصلی این انفعال حقوقی قرار خواهد داد.

در نتیجه، حقوق و مقررات کنونی برای پاسخگویی به این پرسش‌ها نامناسب هستند. راه حل نخست این است که؛ نهادهای قانون‌گذاری ملی کشورها می‌بایست در این زمینه فعال عمل کرده و از منظر بین‌المللی نیز موضوعاتی از این دست باید مورد توجه ویژه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از جمله کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل و مجمع عمومی قرار گیرد.

راه حل دیگر، پیروی از رویه قضائی دادگاه نظامی نورنبرگ است که تعبیر متفاوتی از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها^۱ ارائه داد مبنی بر اینکه که در نظام بین‌المللی که فاقد قانون‌گذاری متمرکز است، اصل قانونی بودن جرم این معنا را نمی‌دهد که متون عهدنامه‌ای باید جرایم و مجازات‌ها را تعریف و تعیین کند. بنابراین، می‌توان اینگونه استدلال نمود که؛ در این نظام، اصل قانونی بودن جرم رعایت شده است، در صورتی که تخلف از تعهدات بین‌المللی در سطح جهانی جرم انگاشته شود. دادگاه نظامی نورنبرگ اعلام کرد که: فقدان مقررات در معاهدات، تعارضی با احراز مسئولیت افراد ندارد،^(۳۶) این رویه در دادگاه‌های نظامی بعدی نیز مورد تبعیت قرار گرفت.^(۳۷) با توجه به مطالب بالا، در رابطه با متخلفان سایبری که به نوعی جنایتکاران جنگی در نبردهای اطلاعاتی محسوب می‌شوند، می‌توان پیش از تدوین و پذیرش عهدنامه بین‌المللی در این باره، با استناد به

1. Nullum Crimen Sine Lege, Nullum Poena Sine Lege.

رویه دادگاه‌های نظامی و نقض مقررات و عرف‌های موجود حقوق بشردوستانه و حتی حقوق بشر، مسئولیت بین‌المللی کیفری این افراد را احراز نمود.

۴. ظرفیت حقوق بین‌الملل در رویارویی با خلاءهای موجود

تفاوت اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه با حقوق بین‌الملل بشردوستانه نسبت به شرایط حاکم بر وضعیت به وجود آمده چیست؟ جهت پاسخگویی به این پرسش ابتدا می‌بایست هدف هر کدام از این دو حوزه حقوقی را بررسی کرد. با مشاهده سیر تاریخی موضوع، درخواهیم یافت که تحولات منتهی به شکل‌گیری شاخه‌ای از حقوق به نام حقوق مخاصمات مسلحانه جهت تأمین هرچه بیشتر منافع متقابل دولت‌های درگیر در جنگ بوده است. به دلیل رویکرد دولت محور غالب در سده‌های گذشته، پذیرش یک سری مؤلفه‌ها و محدودیت‌ها از سوی دولت‌ها، در راستای تأمین هرچه تمام‌تر منافع و مصالح شخصی و نه با هدف حمایت از ابناء بشر بوده است. از این رو، نامگذاری این شاخه از حقوق تحت عنوان حقوق مخاصمات مسلحانه در تناسب کامل با فضای دولت محور حاکم در زمان شکل‌گیری و هدفی که از اعمال آن در نظر داشته‌اند، بوده است. همچنین، این مطلب باید در نظر گرفته شود که همه حقوق مربوط به جنگ (خواه تنظیم شده در کنوانسیون‌ها و خواه منابع دیگر) به عنوان نتیجه یک مصالحه واقعی بین ملاحظات بشردوستانه از یک سو و نیازهای ضروری نظامی از سوی دیگر تلقی می‌شود.^(۲۸) نمونه بارز این رویه، تصمیمات مندرج در مجموعه مقررات لاهه^(۲۹) می‌باشد.

اما حقوق مخاصمات مسلحانه پاسخگوی نیازها و اقتضات جامعه جهانی نبود. با تحول و توسعه در مفاهیم و معیارهای حیات جمعی، نوع بشر به عنوان مهمترین غایت در رأس هرم حیات اجتماعی قرار گرفت. از همین رو، نیازها و اقتضات انسانی در کنار منافع و مصالح عمومی دولت مورد توجه ویژه قرار گرفت و رویکرد انسان محور^۱ به تدریج جایگزین رویکرد دولت محور صرف گردید تا جایی که معیار مشروعیت حاکمیت دولت‌ها میزان حمایت از شهروندانشان می‌باشد. در نهایت، با انعقاد کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ جهت حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه، به حقوق جنگ از منظر حمایتی و بشردوستانه توجه ویژه‌ای مبذول گردید. هدف اساسی از چنین عبارت پردازی،

حمایت از قربانیان درگیری‌های نظامی (نظامیان و غیرنظامیان)، فارغ از منافع متقابل دولت‌های متخاصم و حتی بی‌طرف بود. رویه انسان محور نه تنها در حیطه حقوق جنگ بلکه در سایر ابعاد حیات بین‌المللی تأثیر گذار بود. یکی از موارد تقویت حقوقی رویکرد انسانی، رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل است. دیوان در این رأی اینگونه نتیجه می‌گیرد که: «حقوق بشردوستانه شاخه‌ای از حقوق بشر است که در هنگام مخاصمه مسلحانه موضوعیت می‌یابد».^(۳۰)

بنا بر تعریف، جنگ شامل چهار رکن اساسی است: عنصر تشکیلاتی و سازمانی که همان کشورها هستند، عنصر مادی که همان اعمال قدرت نظامی است، عنصر معنوی یا روانشناختی که همان قصد و نیت مبادرت به جنگ است و بالاخره هدفدار بودن جنگ که همان منافع و مصالح ملی کشورهای طرف متخاصم است. بنابراین، طبق تعریف سنتی جنگ، مخاصمه مسلحانه‌ای که فاقد یکی از ارکان مذکور باشد، از دید حقوقی جنگ محسوب نمی‌شود و^(۳۱) اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه در شرایط و وضعیت‌هایی امکان پذیر است که هم بتوان وقوع عینی مخاصمه و هم مسلحانه بودن آن را ثابت کرد. از این رو، این شاخه از حقوق قابلیت اعمال در وضعیت‌های مشابه مخاصمه را نخواهد داشت. همچنین، در صورتی که در میدان نبرد سلاح‌های متعارف و قراردادی (غالباً سلاح‌های گرم جنگ افزاری) بکار گرفته نشود، مجدداً امکان توسل به حقوق مخاصمات مسلحانه وجود نخواهد داشت. در حالی که، تأثیرپذیری شهروندان غیرنظامی و نظامیان از وقوع این وضعیت‌ها اجتناب ناپذیر است. قربانیان وضعیت‌های غیرقابل توصیف به مخاصمه مسلحانه، در جریان شرایط رخ داده، نیازمند حمایت و پشتیبانی مقررات بین‌المللی‌اند، حتی اگر مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه به دلیل عدم اجتماع شرایط در مورد یک درگیری یا منازعه قابل اعمال نباشد.

در شرایطی که یکسری برخوردهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و... میان دو یا چند کشور رخ دهد ولی به سطح درگیری نظامی نرسیده باشد، آثار و نتایج زیانباری مشابه آنچه از منازعات مسلحانه ناشی می‌شود، متوجه شهروندان و نظامیان است. در چنین شرایطی، تا درگیری به سطح مخاصمه مسلحانه نرسد، نمی‌توان قربانیان را مورد حمایت مقررات مربوطه قرار داد. یا در شرایطی که درگیری‌های مسلحانه میان طرفین متخاصم به پایان رسیده ولی آثار آن همچنان متوجه غیرنظامیان و رزمندگان متخاصمین

سابق و دول بی‌طرف است. مثل مین‌های ضد نفر کاشته شده در منطقه‌ای جنگی و یا هر سلاح خنثی نشده مشابهی که سال‌ها پس از اتمام جنگ، آثار مخرب آن بر انسان و محیط پیرامون او مشاهده می‌شود.

مورد دیگر، مسأله به‌کارگیری ابزار و شیوه‌های نوینی است که از قدرت تخریب بالایی برخوردار است اما قابل توصیف به سلاح نیستند؛ این در حالی است که آثار استعمال آنها در مواردی مخرب‌تر از جنگ افزارهای متعارف می‌باشد. برای مثال، ایجاد اختلال در شبکه‌های عمومی خدمات شهری آب رسانی، برق، بهداشت، مخابرات و... وقوع وضعیت‌های پیچیده و مبهمی را سبب می‌شود، وضعیتی که در آن رزمنده (نظامی)، سلاح، اهداف نظامی و خسارات جانبی وارد بر غیرنظامیان و بسیاری از مسائل دیگر قابل تشخیص و تفکیک از هم نیست.

نادیده گرفتن حقوق انسانی قربانیان به بهانه عدم امکان اعمال حقوق مخاصمه مسلحانه (عدم انطباق شرایط حادث شده با مؤلفه‌های مخاصمه مسلحانه)، از عدالت و انصاف به دور است. این نظریه که قواعد حقوق بشردوستانه در مورد سلاح‌های نوین به دلیل نو بودنشان کاربرد ندارد نیز به هیچ وجه قابل قبول نمی‌باشد.^(۳۲) با عنایت به اینکه غایت حقوق بشردوستانه آن است که درد و رنج انسانی زمان جنگ (مسلحانه یا غیرمسلحانه) را تا حد امکان کاهش دهد و حداقل از بروز مسائلی که ضرورت ندارد جلوگیری به عمل آورد، بر مبنای توجیهات اخلاقی می‌توان در صورت نبود یک صحنه جنگ مسلحانه از مفاهیم و اصول حقوق بشردوستانه جهت ارائه راهکار مناسب و مقتضی استفاده کرد.^(۳۳)

فرجام

اجرای بدون تبعیض و رعایت دقیق قواعد حقوق بشردوستانه در جریان عملیات نظامی لازمه حفظ معیارهای مدنیت و اصول انسانیت است؛ چرا که این قواعد و معیارها ناظر بر انسانیت به طور کلی هستند. نوع جنگ و ابزار و تجهیزات بکار گرفته شده در آن اهمیتی در اجرای این حقوق ندارد.

با ابتدای بر صاعقه‌های وجدانی ملهم از تجارب تلخ ناشی از جنگ‌ها، به ویژه در پرتو توسعه فناوری نظامی و آثار هراس‌انگیز آن، بر این نکته تأکید می‌شود که کرامت انسانی در مقابله با پدیده جنگ بسیار آسیب پذیر خواهد بود، مگر آنکه با توسعه قواعد

حقوقی مناسب از بروز فجایع انسانی در درگیری‌های مسلحانه جلوگیری به عمل آید. سازمان ملل تا مدتی مدید از زمان تأسیس به کلی نسبت به حقوق بین‌الملل بشردوستانه بی‌علاقه بود؛ چرا که سازمان برای جلوگیری از بروز جنگ به وجود آمده بود و پرداختن به حقوق مربوط به جنگ نشانه ضعف و نرسیدن به این هدف بود.^(۳۴) با این وجود، سازمان به مرور سعی در تحدید پیشرفت تکنولوژی تسلیحات نظامی داشته است؛ که این امر از رویه انسان دوستی تاریخی ملل عضو نشأت می‌گیرد. با توسعه روزافزون تکنولوژی در عرصه نظامی، خلاءهای حقوقی بیشماری در برابر تابعان حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد.

از آن جایی که توصیف فعل دولت، به عنوان فعل متخلفانه بین‌المللی، تابع حقوق بین‌الملل می‌باشد،^(۳۵) به ناچار راه حلی جز اجماع جهانی و حصول توافق جمعی درباره این کمبودها وجود ندارد، چرا که این روند رو به رشد توقف ناپذیر است و سلاح‌های فردا از سلاح‌های امروز پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر خواهد بود. از همین رو، شایسته است تا زمان رسیدن به یک وفاق عمومی از راه کارهای اخلاقی مانند آنچه مارتنس در قالب *ندای وجدان* عمومی از آن نام می‌برد، و یا راه کارهای قضائی مانند آنچه در دادگاه نظامی نورنبرگ اتخاذ گردید، بهره جست.

با توجه به پیشرفت روزافزون فنون نظامی و این که فرایند انعقاد و تدوین معاهدات و تشکیل عرف الزام آور به طور معمول کندتر از تحولات بین‌المللی است، و با در نظر داشتن نگاه ویژه‌ای که حقوق بشردوستانه به حمایت از انسان‌ها دارد، همواره در غیاب عرف، قواعد معاهده‌ای و رویه قضائی، مقتضیات اخلاق و وجدان بشری قابلیت حکومت بر مسائل حقوقی پدید آمده را خواهد داشت. بدین ترتیب، اینگونه پیشنهاد می‌شود که مقررات حقوقی مختصمات مسلحانه را در صورت لزوم حقوق بشردوستانه بین‌المللی تکمیل کند و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در موارد مقتضی، حقوق بشر ارتقاء بخشد.

در نهایت، با عنایت به غایت حقوق بشردوستانه که همانا حمایت از نوع بشر در برابر مصائب و آسیب‌های مرتبط با وضعیت‌های ناشی از تعارض و تقابل میان دولت‌هاست، قاعدتاً این شاخه از حقوق ظرفیت اعمال در وضعیت‌های مشابه مختصمات مسلحانه را نیز داراست. ❖

پی‌نوشت‌ها:

۱. نک. دونان، هنری، *خاطرات سولنفرینو*، ترجمه محمد ابراهیم توکلی کارشک، سبزواری، آژند، چ. سوم، ۱۳۹۰.
۲. شریفی طرازکوهی، حسین، *حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص. ۳۲۵.
۳. همان.
۴. قاعده طلایی کانت (Golden Rule). این اصل یک اصل اخلاقی است که دو مطلب را بیان می‌دارد: ۱. شخص باید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه با او آنگونه رفتار کنند (شکل مثبت قاعده). ۲. شخص نباید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست ندارد آنگونه با او رفتار شود (شکل منفی و منعی قاعده که گاه قاعده نقره‌ای یا سیمین خوانده می‌شود). نک.: هری ج. گنسلر، *درآمدی بر فلسفه اخلاق معاصر*، ترجمه مهدی اخوان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱، فصل ۸.
۵. عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، در بیان شروط و قواعدشان مقرر می‌دارند که اعلام مقررات هر یک از عهدنامه‌های حاضر به واسطه اصول حقوق ملل نشأت گرفته از عادات مرسوم میان مردم متمدن، با الهام از حقوق بشریت و وجدان عمومی، به هیچ وجه سایر تعهداتی را که هریک از طرفین مناقشه باید ملزم به اجرای آن باشند، نفی نمی‌کند. نک.: حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، گردآوری و ترجمه: هاجر سیارستمی، کتابیون حسین نژاد، محسن افچنگی، تهران: مؤسسه آموزش عالی علمی-کاربردی هلال ایران (وابسته به جمعیت هلال احمر)، چ. اول، ۱۳۹۰.
۶. با یادآوری اینکه در مواردی که قواعد حقوقی لازم‌الاجرا نیست فرد انسانی تحت حمایت اصول انسانیت و حکم وجدان عمومی قرار می‌گیرد.... نک.: همان، ص. ۴۰۶.
۷. همان، ص. ۳۲۶.
۸. فلک، دیتز، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، ترجمه سید قاسم زمانی نادر ساعد و سایرین، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص. ۳۴.

۹. کرولد، مارتین، «تکنولوژی سطح بالا و دگرگونی در جنگ»، ترجمه رضا میر طاهر، مجله سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۷۳، سال سوم، شماره یک مسلسل ۹، ص. ۶۴.
۱۰. چنین استدلالی با توسل به اصل احتیاط نیز توجیه پذیر می‌باشد.
۱۱. هنکرتز، ژان ماری، دوسوالد بک، لوئیس، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، جلد اول، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: نشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص. ۳۶۴.
۱۲. پروتکل شماره ۳ در مورد ممنوعیت استفاده از مهمات یا سلاح‌های آتش زا، ضمیمه عهدنامه ۱۹۸۱ در مورد سلاح‌های متعارف.
۱۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ضمیمه حقوق جنگ، موارد بازنگری شده، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ نخست، ۱۳۷۳، صص. ۱۰-۹.
۱۴. دیتز فلک، پیشین، ص. ۱۸۰.
۱۵. ممنوعیت مقرر در عهدنامه مذکور ممنوعیت تام است، به این معنی که کشورها حتی در زمان صلح نیز نمی‌توانند از این نوع سلاح‌ها جهت تقویت مرزهایشان و جلوگیری از نفوذ دشمن یا به منظور حفاظت از استحکامات و تأسیسات نظامیشان استفاده کنند.
۱۶. امت، چی سی، «تحول در جنگ: جنگ نرم افزاری و آینده در حال ظهور»، ترجمه سید رضا میر طاهر، مجله سیاست دفاعی، بهار ۱۳۷۴، سال سوم، شماره ۲ و ۳ مسلسل ۱۱، ص. ۱۴۰.
۱۷. حسین شریفی طرازکوهی، پیشین، صص. ۱۹۷-۱۹۶.
۱۸. هکر: واژه هکر به شخصی اطلاق می‌شد که در برنامه نویسی بسیار ماهر و باهوش بود. بعدها این واژه به معنی شخصی شد که در نفوذ به سیستم‌های جدید به صورت ناشناس تبحر داشته باشد. امروزه، بیشتر با هدف ترساندن هکرها، رسانه‌ها و مقامات مسئول مانند آژانس‌های دولتی و ادارات پلیس، این واژه را به هر شخصی که مرتکب یک جرم مرتبط با فناوری شود، اطلاق می‌کنند. این درست است که هکرها می‌توانند سهواً باعث زیان‌های قابل توجهی شوند، اما جست‌وجو برای یافتن اطلاعات و آموزش، نه انتقام‌گیری یا صدمه زدن به دیگران، عاملی است که باعث می‌شود اکثر هکرها سرگرمی خود را به نحوی بی‌رحمانه دنبال کنند. کرکر: از سوی دیگر، کرکرها هکرها بدخواهی هستند. آنها به سیستم‌ها رخنه می‌کنند تا خرابکاری کنند، ویروس‌ها و کرمهای رایانه‌ای را منتشر کنند، فایل‌ها را پاک کنند یا بعضی انواع دیگر ویرانی را به بار آورند. اختلاس، کلاهبرداری یا جاسوسی صنعتی (سرقت اطلاعات محرمانه یک شرکت) تنها بخش کوچکی از اهداف احتمالی کرکرها می‌باشد. تفاوت هکرها و کرکرها: هکرها در یک مورد مهم با کرکرها تفاوت دارند. کارهایی

که آنها انجام می‌دهند معمولاً از روی بدخواهی نیست. انگیزه بیشتر هکرها برای این کار، تمایل شدید به یادگیری نحوه کار سیستم رایانه، یافتن راهی برای ورود مخفیانه به آنها و پیدا کردن سوراخ‌های امنیتی این سیستم‌هاست. هیجان خواندن اطلاعاتی که می‌دانند اجازه دیدن آنها را ندارند یا انجام کاری که می‌دانند قانونی نیست به لذت دست زدن به چنین تجاربی توسط هکرها به عنوان سرگرمی می‌افزاید. آنها در فعالیت‌های خود معتقد به نگرش *بین‌اما دست نزن* هستند. نک: آنجلیز، جینا دی، جرایم سایبر، ترجمه سعید حافظی و عبد الصمد خرم آبادی، خرداد ۱۳۸۳، قابل دسترس در: www.itiran.com

۱۹. بوزان، باری، «تغیلات در تکنولوژی نظامی»، ترجمه محب علی دیانی، مجله سیاست دفاعی، زمستان و پائیز ۱۳۷۲، سال اول، شماره ۳ و ۴، ص. ۱۰۵.

۲۰. کلهر، رضا، «جنگ اطلاعاتی و نقش آن در جنگ آینده»، مجله سیاست دفاعی، پائیز و زمستان ۱۳۷۹، شماره ۳۲ و ۳۳، صص. ۳۵-۳۷.

۲۱. از این دست است: **جاسوسی رایانه‌ای**: جاسوسی رایانه‌ای همانند جاسوسی کلاسیک ناظر به کسب اسرار حرفه‌ای، تجاری، اقتصادی، سیاسی، نظامی و نیز افشاء و انتقال و استفاده از اسرار است، فرد مرتکب جرم با دستیابی و فاش کردن این اسرار، ضرر سیاسی، نظامی، مالی و تجاری می‌زند. این جرم، امنیت ملی را با مخاطره مواجه می‌کند. **سابوتاژ رایانه‌ای**: این جرم با جرم تخریب شباهت بسیاری دارد، هدف مجرم اختلال در نظام سیاسی و اقتصادی یک کشور و بالطبع اختلال در امر حکومت است. در واقع، به اصلاح، موقوف سازی، پاک کردن غیرمجاز داده‌ها یا عملیات کامپیوتری به منظور مختل ساختن عملکرد عادی سیستم سابوتاژ رایانه‌ای گویند. **جعل کامپیوتری**: وارد کردن، تغییر، محو یا موقوف‌سازی داده‌های کامپیوتری یا برنامه‌های کامپیوتری به منظور و اهداف سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد. جعل کامپیوتری جعل داده‌هاست. در جعل کامپیوتری عمل ارتكابی بر داده‌ها اثر می‌گذارد. با این تفاوت که داده، ماهیت اسناد عادی را ندارد. **افترا و نشر اطلاعات از طریق پست الکترونیک**: پست الکترونیک مرسوم‌ترین و گسترده‌ترین سرویس شبکه‌های کامپیوتری و بین‌المللی است، هرکاربر می‌تواند در شبکه‌های بین‌المللی از طریق یک آدرس مشخص الکترونیک شناخته شود که با دسترسی به رمز آن می‌توان به آسانی در آن تقلب کرد. این قابلیت پست الکترونیک می‌تواند ابزاری جالب برای نشر اطلاعات مجرمانه یا نشر اکاذیب و افترا به اشخاص باشد و احتمال کنترل اطلاعات برای تهیه کننده کاملاً مشکل است و در عمل به خاطر تعداد بسیار زیاد پست الکترونیک ارسالی، اتخاذ تدابیر کلی و گسترده امنیتی مشکل بوده و تنها برای بخش کوچکی از داده‌ها میسر می‌باشد. نک: حسن بیگی، ابراهیم، «حقوق و امنیت در فضای سایبر»، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران: ۱۳۸۴، ص. ۲۱۱ به بعد.

22. Karl A. Kaszuba, *Military Technology: Has it Change the Rules of Warfare?*, Air War Collage & Air University, April 1994, pp.21, 22, available at: <http://www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA399023>

۲۳. رضا کلهر، پیشین، ص ۳۲.

۲۴. تعریف رزمنده مندرج در بند یک ماده ۴۳ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷: نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه مرکب از کلیه نیروهای مسلح سازمان یافته، گروه‌ها و واحدهایی است که تحت نظر فرماندهی قرار دارند که در قبال اعمال زبردستان خود در برابر آن طرف مسئول هستند، حتی اگر حکومت یا مقامی نماینده آن طرف باشد که از سوی طرف دیگر مخاصمه به رسمیت شناخته نشده باشد و از جمله باید رعایت قواعد بین‌المللی قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه را به اجرا گذارد.

۲۵. حسن بیگی، ابراهیم، پیشین، صص ۱۵۹-۱۶۱.

26. L'arret Tadic, 2 octobre 1995, para 128, Affaire No. ICTR-96-4-A, available at: www.unchr.org.

۲۷. ممتاز، جمشید، رنجبریان، امیرحسین، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مخاصمات*

مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۹۲.

۲۸. دینستین، یورم، «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه»، ترجمه حسین شریفی

طراز کوهی، مجله سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۷۱، سال اول، شماره یک، ص ۱۳۲.

۲۹. کنفرانس‌های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ میلادی.

30. Legal consequences of the construction of a wall in the occupied Palestinian territory (request for advisory opinion), 10 December 2003.

۳۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، کتابخانه گنج دانش،

چاپ سی و هشتم، ۱۳۸۸، ص ۵۵۳.

۳۲. محمدرضا ضیائی بیگدلی، پیشین، ص ۱۶.

۳۳. این دستور العمل می‌بایست در نظام امنیت دسته جمعی و در نظام دفاع مشروع مقرر

در منشور ملل متحد، به رغم تجویز قانونی توسل به زور تحت عنوان ضرورت رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد توجه قرار گیرد.

۳۴. جمشید ممتاز و امیر حسین رنجبریان، پیشین، ص ۶۴.

۳۵. کمیسیون حقوق بین‌الملل، *مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون*

حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، تهران، مؤسسه انتشاراتی شهر دانش، چاپ دوم،

۱۳۸۹، ص ۳۵.